

به نام خداوند جان و خرد

جنبش حقوق زنان چیست؟

نویسنده:

دبورا هایکینسون

مترجم:

آرزو خسروپور



سرشناسه: هاپکینسون، دبورا، ۱۹۴۲ - م.
 Hopkinson, Deborah
 عنوان و نام پدیدآور: جنبش حقوق زنان چیست؟ / نویسنده دبورا هاپکینسون؛ مترجم آرزو خسروپور.
 مشخصات نشر: تهران: طاهریان، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۸ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۹۰-۷
 وضعیت فهرست نویسی: فیفا
 یادداشت: What is the women's rights movement?
 موضوع: فمینیسم -- ایالات متحده
 موضوع: Feminism -- United States
 موضوع: حقوق زن -- ایالات متحده
 موضوع: Women's rights -- United States
 موضوع: فمینیسم -- ایالات متحده -- تاریخ -- ادبیات کودکان و نوجوانان
 موضوع: Feminism -- History -- United States -- Juvenile literature
 شناسه افزوده: خسروپور، آرزو، ۱۳۵۶ -، مترجم
 رده بندی کنگره: HQ ۱۴۲۶
 رده بندی دیویی: ۳۰۵/۴۲۰۹۷۳
 شماره کارشناسی ملی: ۷۵۱۶۲۹۸



«جنبش حقوق زنان چیست؟»

- نویسنده: دبورا هاپکینسون ● مترجم: آرزو خسروپور
 - ناشر: انتشارات طاهریان ● نوبت چاپ: دوم ● سال چاپ: ۱۴۰۲ ● تیراژ: ۱۰۰ جلد
 - قیمت: ۵۰/۰۰۰ تومان ● تایپ، صفحه‌بندی و طرح جلد: آرزو خسروپور ● چاپ: اسلامی
 - شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۹۰-۷ ● شابک الکترونیک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۸۴-۰۹۱-۴
-
- آدرس: میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، خیابان لبافی نژاد، پلاک ۲۶۶، طبقه چهارم، واحد ۱۱
 تلفن: ۶۶۹۷۰۷۶۷-۶۶۹۲۷۳۳-۶۶۴۹۲۷۳۳ تلفکس: ۶۶۹۷۴۱۵۲ www.Taherianpress.com
- با تشکر از همراهی هوشمندانه شما خواننده محترم، به اطلاع می‌رساند برای بهره‌گیری از تسهیلات و خدمات نوین حمایتی انتشارات طاهریان و همچنین شرکت در قرعه‌کشی خوانندگان ویژه مجموعه کتاب‌های به سوی موفقیت، لطفاً حتماً عدد ۱ را به شماره ۱۰۰۷۰۸۷ ارسال کنید تا یکی از برندگان ما باشید.

فهرست

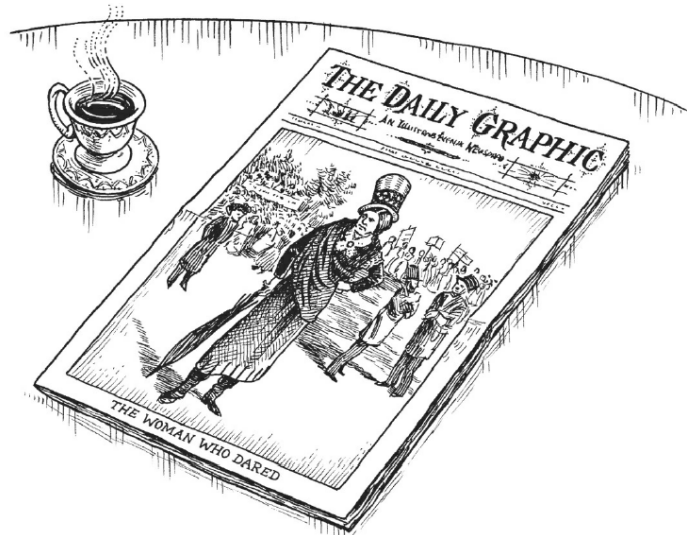
فصل ۱: اوایل آمریکا.....	۷
فصل ۲: گردهمایی سنکا فالز.....	۱۱
فصل ۳: الیزابت و سوزان.....	۱۹
فصل ۴: یک مبارزه طولانی و سخت.....	۲۵
فصل ۵: تحصیلات.....	۳۳
فصل ۶: زنان در محل کار.....	۳۹
فصل ۷: قرن جدید، جدال جدید.....	۴۵
فصل ۸: سرانجام پیروزی!.....	۵۵
فصل ۹: زنان در جنگ جهانی دوم.....	۶۳
فصل ۱۰: موج دوم.....	۷۳
فصل ۱۱: قانون IX بازی را تغییر داد.....	۸۱
فصل ۱۲: پیشرفت همچنان ادامه دارد!.....	۸۷

جنبش حقوق زنان چیست؟

۸ نوامبر ۲۰۱۶

ممکن است انتظار نداشته باشید که یک گورستان قدیمی در روز انتخابات ایالات متحده محل شلوغی باشد؛ اما سال ۲۰۱۶ متفاوت بود. برای اولین بار، زنی از یکی از دو حزب مهم سیاسی کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا شد. او هیلاری کلینتون از حزب دموکرات بود. نامزدی وی یک نقطه عطف در تلاش زنان آمریکایی برای دستیابی به برابری با مردان بود.

برای جشن، بازدیدکنندگان به سمت قبرستان "مونت هوپ" در روچستر، نیویورک سرازیر شدند. آنها می‌خواستند یاد سوزان بی‌آنتونی را گرامی بدارند. او اولین رهبر حقوق زنان بود. مردم به صف می‌شدند تا گل‌ها و پرچم‌ها را روی مزار وی بگذارند. به زودی، برچسب‌های "من رأی دادم" سطح سنگ قبر ساده را پوشاند. سوزان اگر بود بسیار خوشحال می‌شد. او زندگی خود را وقف گرفتن حق رأی دادن زنان کرد. یک بار، در سال ۱۸۷۲، سوزان در انتخابات ریاست جمهوری رأی داد. در آن زمان این کارش غیرقانونی بود و او دستگیر شد. یک روزنامه تصویری از او را با عنوان "زنی که جرات کرد" منتشر کرد.



قاضی وی را به پرداخت صد دلار محکوم کرد. سوزان به او گفت که "هرگز حتی یک دلار جریمه ناعادلانه را هم پرداخت نمی‌کند." و واقعاً او هرگز این کار را نکرد.

سوزان بی‌آنتونی زنده ماند تا رؤیای خود را به حقیقت تبدیل کند. زنان آمریکایی تا سال ۱۹۲۰ حق رأی را به دست نیاوردند و این چهارده سال پس از درگذشت وی بود. امروز اگر چه مبارزات انتخاباتی هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۶ تاریخ‌ساز شد، ولی وی در انتخابات پیروز نشد. هیچ زنی به عنوان رئیس‌جمهور یا معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده تا پایان رئیس‌جمهوری ترامپ انتخاب نشده است... حداقل الآن نه. همانطور که سوزان یک بار گفت: "شکست غیرممکن است."

فصل ۱

اوایل آمریکا

در ۳۱ مارس ۱۷۷۶، ابیگیل آدامز قلم پَر خود را برداشت تا برای همسرش جان بنویسد. زمان خطرناک و سرنوشت‌سازی بود، آنها بعد از سالها می‌خواستند از انگلیس جدا شوند و کشور خود را تشکیل دهند.



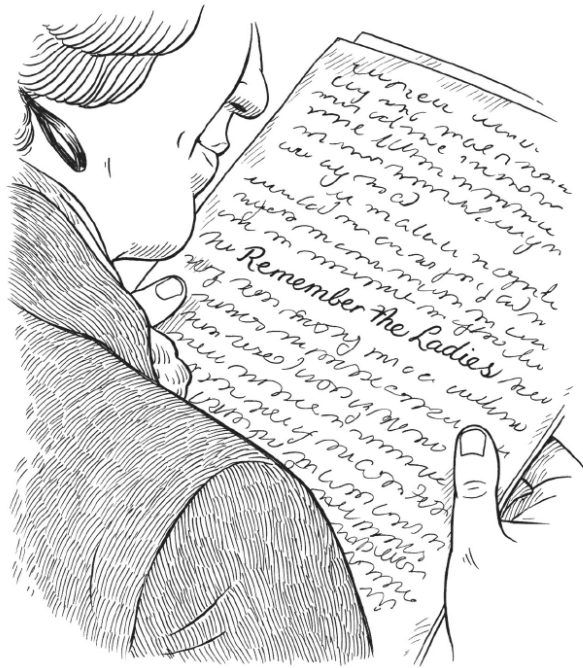
جان آدامز غالباً در بین ایالات مختلف در سفر بود. جان برای کمک به نوشتن اعلامیه استقلال و بحث در مورد نحوه کار دولت جدید ایالات متحده آمریکا تلاش می‌کرد. به همین خاطر ابیگل برای مراقبت از فرزندان و مزرعه در خانه خود در ماساچوست ماند.

اما با این وجود، ابیگل نیز علاقه زیادی به برنامه‌های کشور جدید داشت و اغلب ایده‌های خود را با جان در میان می‌گذاشت. مثلاً، ابیگل معتقد بود که برده‌داری صد در صد اشتباه است. در سال ۱۸۱۰، تعداد افراد برده شده در ایالات متحده (که تقریباً همه در جنوب زندگی می‌کردند) در مجموع بیش از یک میلیون نفر بود.



ابیگل همچنین در مورد زنان صحبت می‌کرد. در آن زمان، زنان در آمریکا از حقوق کمی برخوردار بودند. هنگامی که زنی ازدواج می‌کرد، او دچار چیزی به نام "مرگ مدنی" می‌شد. البته این یک مرگ واقعی نبود؛ اما قانون دیگر او را به عنوان یک فرد جداگانه نمی‌شناخت. این

بدان معنی بود که یک زن متأهل نمی‌تواند حق مالکیت داشته باشد. او باید هر پولی که به دست می‌آورد را به شوهرش تحویل دهد. طلاق نادر بود. با این حال، اگر زن و شوهر از هم جدا می‌شدند، در بیشتر موارد پدران حضانت فرزندان خود را به دست می‌آوردند. ابیگل هیچ یک از این قوانین را دوست نداشت. او امیدوار بود که جان و دیگر بنیان‌گذاران، قوانین متفاوتی را برای ملت جدید امریکا وضع کنند؛ بنابراین او نوشت و از جان خواست که "خانم‌ها را به یاد داشته باشد و نسبت به نیاکان خود در این موضوع هوشمندتر و مهربان‌تر باشد." ابیگل افزود: "لطفاً چنین قدرت نامحدودی را به دست شوهرها ندهید."



جان با نیمه شوخی پاسخ داد: "به شوهران خود بچسبید و قدر آنها را بدنید." به عبارت دیگر، حتی همسران دوست داشتنی مانند جان آدامز هم می‌خواستند جامعه را به همان روال پیش ببرند. بنیان‌گذاران مردان جسوری بودند؛ اما شاید ابیگل آدامز جسورتر بود؛ زیرا او همچنین به جان گفت که او تصور می‌کرد زنان روزی علیه قوانینی "که در آن ما هیچ صدا یا نماینده‌ای نداریم" یک شورش را آغاز می‌کنند.



هیئت مؤسسان

ابیگل آدامز حق داشت. در سال ۱۸۴۸، تنها سی سال پس از مرگ او، جنبش حقوق زنان آغاز شد؛ و زنان و مادران دیگری بودند که این رودخانه خروشان را به حرکت درآوردند.

فصل ۲

گردهمایی سنکا فالز

الیزابت کدی در اول مه ۱۸۴۰ با هنری استنتون ازدواج کرد. حتی به عنوان یک عروس بیست و چهار ساله، الیزابت قبلاً از نقش خود به عنوان یک زن سؤالاتی می‌کرد. او کلمه اطاعت محض را از وظایف خود کنار گذاشت. او همچنین از نام فامیل خود استفاده می‌کرد و به الیزابت کدی استنتون معروف شد.

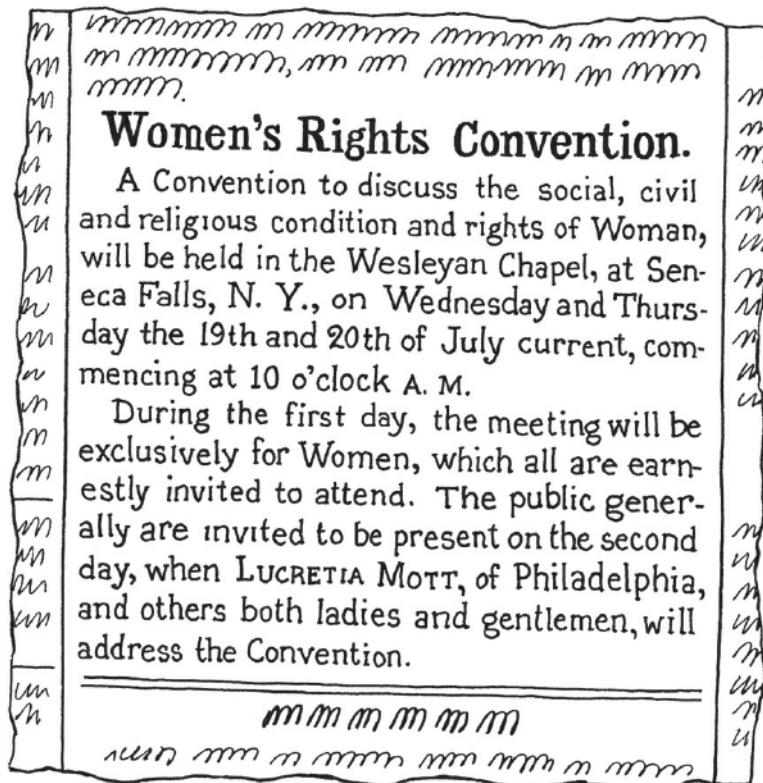
شوهرش هنری، معروف به لغو کننده قوانین کهنه و اشتباه بود. این بدان معناست که او برای از بین بردن برده‌داری در آمریکا تلاش می‌کرد. با این حال، حتی در جلسه لغو قوانین اشتباه هم مردان از حضور زنان خودداری می‌کردند. الیزابت احساس خشم کرد. (همین طور زن دیگری به نام لوکرتیا موت). آیا نباید مردان در مبارزه با برده‌داری به عنوان شرکای برابر با زنان برخورد شوند؟



الیزابت و لوکرتیا تصمیم گرفتند کاری برای حقوق زنان انجام دهند. هشت سال گذشته بود تا آنها توانستند شروع کنند. در آن زمان، الیزابت مادری پرکار بود.

این خانواده در سنکا فالز، شهری در شهر نیویورک زندگی می‌کردند. روز یکشنبه، ۹ ژوئیه ۱۸۴۸، الیزابت، لوکرتیا و سه دوست با هم جمع شدند. الیزابت دلخوری خود را از برخورد ناعادلانه با زنان بیان کرد. به همین خاطر او "یک جلسه عمومی برای اعتراض و گفتگو" را پیشنهاد داد. دوستش لوکرتیا و بقیه هم همین احساس را داشتند. بلافاصله، آنها

شروع کردند. آنها اطلاعیه‌ای برای روزنامه نوشتند و "گردهمایی حقوق زنان" را برای ۱۹ و ۲۰ ژوئیه اعلام کردند (همان هفته آینده!)؛ که وقت زیادی برای برنامه‌ریزی نداشتند. آنها می‌خواهند چه چیزی در این گردهمایی بیان کنند؟



الیزابت تصمیم گرفت از اعلامیه استقلال آمریکا به عنوان الگو استفاده کند و نسخه خود را بنویسد و نام آنها **اعلامیه خواسته‌ها** نامید. او نوشت: "ما این را حقیقتی بدیهی می‌دانیم که زن و مرد برابر هستند."

اعلامیه خواسته‌های الیزابت شامل یازده درخواست عملی بود. یکی از آن حق رأی دادن بود. در آن زمان این ایده تکان‌دهنده و انقلابی بود. زنان در هیچ کجای دنیا نمی‌توانستند رأی دهند! این تقاضا بسیار جسورانه بود طوریکه حتی شوهرش هم از حضور در اولین جلسه زنان خودداری کرد.

ولی الیزابت محکم ایستاد. پدرش قاضی بود بنابراین او با مطالعه کتابهای حقوقی روز به روز اطلاعات خود را بالا می‌برد. الیزابت فهمید که بهترین راه برای تغییر جامعه، تغییر قوانین آن است. بدون حق قانونی رأی، زنان هرگز نمی‌توانند شهروند کاملی باشند.

حتی با چنین اطلاع‌رسانی اندکی، بیش از سیصد نفر، از جمله حدود چهل مرد، به کلیسای وسلیمان در منطقه سنکا حضور یافتند، آنروز ۲۰ جولای ۱۸۴۸ بود. در این گردهمایی الیزابت اعلامیه خواسته‌های زنان را با صدای بلند خواند.



وقتی به بخشی حق رأی دادن زنان رسید، اظهار داشت: "این حق ماست که باید داشته باشیم و از آن استفاده کنیم، ما این کار را خواهیم کرد." در ابتدای جلسه، این ایده خیلی خوب استقبال نشد تا اینکه یک مرد در جلسه در حمایت از آن صحبت کرد؛ او رهبر بزرگ آمریکایی آفریقایی تبار، فردریک داگلاس بود که قبلاً در روزنامه ستاره صبح، نوشته بود که "هیچ دلیلی در جهان نمی‌تواند وجود داشته باشد که زنان حق رأی نداشته باشند."